

داستان طلای ناب، برنز تاریخی و چوب امدادی که هرگز نرسید!

روز پر قصه

نگار رشیدی

ناگویا، شهر پر هیاهوی ژاپن و میزبان رویداد بزرگ بازی‌های آسیایی ۲۰۲۶، در همین روز از اینس ماراتن نفس‌گیر ورزشی، شاهد یکی از دراماتیک‌ترین، پرتلهاب‌ترین و البته باشکوه‌ترین روزهای کاروان ورزشی ایران بود. روزی که در آن اشک‌ها و لیکنده‌ها، فریادهای پیروزی و سکوت‌های بهت‌آور به هم آمیختند تا تابلویی بی‌نظیر از تلاش و غیورت ایرانی را در تاریخ این مسابقات ثبت کنند. دوشنبه، ششم مهرماه ۱۴۰۵، روزی بود که نسام ایران با‌ها در سالن‌های مختلف ورزشی طنین‌انداز شد؛ روزی با طعم شیرین یک مدال طلای رکوردشکن، یک نفره دلاورانه، یک برنز به‌ارزش طلا و البته تراژدی تلخ چوب امدادی که در میانه پیست تار تان، روی زمین جام‌اند و به مقصد نرسید. در این روز شلوغ و پرترافیک که نمایندگان کشورمان در ۱۴ رشته ورزشی مختلف به مصاف رقبا رفتند، بی‌شک ننگین درخشان و قهرمان بی‌چون‌وچرای کاروان ایران، غریب‌شادی علی‌عالی‌پور در سالن وزنه‌برداری بود؛ مردی که با پولاد سردانس گرفته‌در دسته ۹۵ کیلوگرم، حماسه‌ای خلق کرد که تا سال‌ها در حافظه تاریخ ورزش آسیا و جهان باقی خواهد ماند.

علی‌عالی‌پور با مجموع ۳۹۸ کیلوگرم نه تنها مقتدرانه برام آسیا! ایستاد و گردن آویز طلاراز آن خود کرد، بلکه رکورد مجموع دنیا رانیز جابه‌جا کرد تا نام، ایران با حروفی از جنس طلا در تاریخ وزنه‌برداری جهان حک‌شود



سالن مسابقات وزنه‌برداری در ناگویا، مملو از تماشاگرانی بود که برای دیدن نبرد غول‌های آسیا لحظه‌شماری می‌کردند. در دسته ۹۵ کیلوگرم، تمام نگاه‌ها به علی‌عالی‌پور دوخته شده بود. او با گام‌هایی استوار و چهره‌ای مصمم روی تخته آمد. در حرکت یک‌کمر، او کارش را با آرامشی مثال‌زدنی و مهارت وزنه ۱۷۵ کیلوگرمی آغاز کرد. وقتی در حرکت دوم، وزنه ۱۸۰ کیلوگرمی را بالای سر برد و با استواری تمام آن را مهار کرد، سالن به احترام او ایستاد؛ چرا که‌عالی‌پور با همین وزنه، رکورد یک‌کمر بازی‌های آسیایی را فرو ریخت و نام خود را در صدر جدول جاودانه کرد. هر چند تلاش سوم او برای مهارت وزنه ۱۸۳ کیلوگرمی ناظر جام ماند، اما او با همان ۱۸۰ کیلوگرم، نیمی از مسیر قهرمانی را باصلاط طی کرده بود. اما اوج هیجان و درام در حرکت دوزرب نهفته بود؛ جایی که عیار واقعی وزنه‌داران

چهره به چهره

سایه سنگین فرغانه و طلسمی که ۵۷۱۱ روزه شد

کازان در انتظار یوزهای زخمی

آریا طاری

بادهای سرد پاییزی کازان، تنها سرمای نیست که این روزها در اردوی تیم ملی فوتبال ایران حس می‌شود. شکست غیرمنتظره و تلخ سه بر یک مقابل ازبکستان در فرغانه، همچون یک شوک بامدادی، زنگ خطر را برای شاگردان امیر قلعه‌نویی به صدا درآورد. ازبک‌ها نه تنها در خانه جشن پیروزی گرفتند، بلکه رکورد شکست‌ناپذیری خود برابر ایران را در سه سال گذشته حفظ کرده و به عدد هفت رساندند؛ آماري که برای فوتبال ایران به هیچ‌وجه قابل هضم نیست. حالا، کاروان تیم ملی با کوله‌باری از انتقادات و فشارهای رسانه‌ای، فرغانه را به مقصد جمهوری تاتارستان و شهر کازان ترک کرده است تا مشاب از ساعت ۹:۳۰ به وقت تهران، در پنجمین تقابیل تاریخی خود به مصاف تزارهای روس برود. دیداری که روی کاغذ یک بازی تدارکاتی در فیفادای سپتامبر است، اما در واقعیت، به میدان اثبات حقانیت و بقای آرمش روی نیمکت تیم ملی تبدیل شده است.



مشخص می‌شود. عالی‌پور در اولین تلاش، وزنه سنگین ۲۱۳ کیلوگرمی را با موفقیتی چشمگیر مهار و خیال خود را از بابت کسب مدال راحت کرد. اما او برای طلا و تاریخ‌سازی آمده بود، نه فقط یک مدال ساده. کادر فنی وزنه ۲۱۸ کیلوگرمی را برای او درخواست کرد. در تلاش اول، وزنه ۲۱۸ کیلوگرمی از دستان او رها شد و نفس‌ها در سینه تماشاگران ایرانی و مربیان حبس گردید. آیا طلا از دست می‌رفت؟ در تلاش سوم و آخرین فرصت ممکن، عالی‌پور بار دیگر پشت وزنه ۲۱۸ کیلوگرمی ایستاد. او نگاهی به آسمان انداخت، دستانش را به پودر آغشته کرد و با فریادی که از اعماق وجودش برمی‌خاست، میله را در دست گرفت. یک کشمی بی‌نقص، یک چرخش عالی و در نهایت... وزنه روی سینه‌اش نشست و با قدرت هر چه تمام‌تر آن را بالای سر برد. سه چراغ سفید از سوی داوران، به معنای تأیید این حرکت تاریخی‌بود. علی‌عالی‌پور با مجموع ۳۹۸ کیلوگرم نه تنها مقتدرانه برام آسیا ایستاد و گردن آویز طلاراز آن خود کرد، بلکه رکورد مجموع دنیا رانیز جابه‌جا کرد تا نام ایران باحروفی از جنس طلا در تاریخ وزنه‌برداری جهان حک‌شود. در سویی دیگر میدان، اما، میرمصطفی جوادی در دسته ۸۵ کیلوگرم روز پر فروغی نداشت.

او در یک‌کمر با مهار ۱۵۸ کیلوگرم به کار خود پایان داد و در دوزرب نیز پس از وزنه‌های ۲۰۹ و ۲۱۷ تا کام ماند تا با مجموع ۵۸۸ کیلوگرم به مقام پنجمی بسنده کند و دستش از مدال کوتاه بماند.

برنزی به رنگ اصالت

از سالن وزنه‌برداری که فاصله

نقره‌ای از جنس غیرت

روز نهم مسابقات، روز درخشش در هنرهای رزمی نیز بود. در سالن مسابقات کوراش، رامین احمدزاده در وزن ۸۱- کیلوگرم نمایشی طوفانی داشت. اومسیر خود را با پیروزی قاطع ۱۰ بر صفر (هال-ضربه فنی) مقابل حریفی از تایلند آغاز کرد و در یک‌چهارم نهایی نیز با همین نتیجه درخشان، نماینده ترکمنستان را در هم کوبید و مدال برنز را از قطعی کرد. رامین در نیمه‌نهایی با نمایشی مقتدرانه، کن‌اوبوشی از ژاپن را پنج بر صفر شکست داد تا نشان دهد برای طلا به ناگویا آمده است؛ همان حریف ژاپنی که در یک‌چهارم نهایی، رضا احمدزاده (برادر رامین) را حذف کرده بود و رامین با این برد، انتقام برادرش را نیز گرفت. در فینال، اما، یخت با رامین یار نبود. رویارویی با آکژور زبودولایف از ازبکستان، مهد کوراش جهان، نبردی نفس‌گیر بود که در نهایت با شکست سه بر صفر نماینده شایسته کشورمان همراه شد. رامین احمدزاده باسری بالا و سینه‌ای ستبر، مدال نقره را بر



گردن آویخت تا کلکسیون افتخارات ایران در این روز تکمیل‌تر شود.

تراژدی در پیست تار تان

اما ورزش همیشه روی خوش و حماسه‌ساز ندارد؛ گاهی بی‌رحم است و گاهی به یک ثانیه ناهماهنگی بند است. یکی از مهم‌ترین اتفاقات روز نهم در ورزشگاه مکزکی ناگویا و در رشته دوومیدانی رخ داد. جایی که تیم ملی ایران برای نخستین‌بار در تاریخ، در ماده ۴۰۰ متر میکس در یک میدان بزرگ برون‌مرزی شرکت کرده بود. تیم ایران با ترکیب حسن تفتیان (سریع‌ترین مرد ایران)، ریحانه مبینی، بنیامین یوسفی و زهرا ازارعی در گروه دوم به مصاف رقبا رفت. مسابقه با شلیک تپانچه‌آغاز شد. حسن تفتیان با استارتی انفجاری، ۱۰۰ متر اول را با سرعتی خیره‌کننده دوید و چوب امدادی را به منطقه تعویض، با موفقیتی کامل در ریحانه مبینی سپرد. مبینی نیز با گام‌هایی بلند و تلاشی تحسین‌برانگیز، ۱۰۰ متر دوم را طی کرد و به منطقه تعویض دوم رسید، جایی که بنیامین یوسفی منتظر دریافت چوب بود تا سرعت خود را با پیروزی حفظ کند. اما ناگهان، کابوس از راه رسید. در صدم ثانیه‌هایی که همه‌چیز باید با دقتی میلی‌متری انجام شود، ناهماهنگی بین مبینی و یوسفی باعث شد تا چوب امدادی در به دست یوسفی برسد و تعادل تیمی از هم بپاشد. یوسفی لحظاتی ارزشمند را از دست داد و از حریفان جا ماند. این ناهماهنگی مرگبار در نهایت منجر به این شد که تیم ایران قبل از عبور

نفر چهارم (زهرا ازارعی) از خط پایان، از دور رقابت‌ها خارج شود و مسابقه را به پایان نرساند (DNF). تراژدی تلخی بود؛ بغض گلوگیر ورزشکارانی که ماه‌ها برای این هماهنگی تمرین کرده بودند، اما در میدان عمل، اسیر بی‌رحمی



بزرگی زد. او در فینالی نفس‌گیر با کسب ۳۴۴٫۴۰ امتیاز در رده چهارم آسیا قرار گرفت و تنها با اختلاف اندک ۱۶٫۹۰ امتیاز از مدال برنز باز ماند. این مقام چهارمی، بهترین رتبه ثبت‌شده برای شیرجه‌ایران پس از انقلاب اسلامی است که خودارزش یک مدال تاریخی را دارد. در ورزش‌های تیمی نیز چرخ کاروان به خوبی چرخید. سروقامتان والیبال ایران با هدایت پیاترا، در نمایشی مقتدرانه و بی‌نقص، تایلند را در سه ست پیاپی (۲۵-۱۸، ۲۵-۱۸ و ۲۵-۱۵) در هم کوبیدند تا دومین پیروزی خود را جشن بگیرند. در استخر مسابقات، تیم ملی واترپلو کشورمان در جدالی پر گل و تماشایی با نتیجه ۱۵ بر ۱۱ از سد کره جنوبی گذشت تا نشان دهد برای شکوهای آسیایی دندان تیز کرده است. تیم پدل بانوان ایران نیز با ترکیب صبا نجفی و ندا محمدتقی‌پور با پیروزی شیرین مقابل امارات (۷-۶ و ۶-۳) شروعی مقتدرانه داشت. البته

روز نهم با حذف و تاکامی‌هایی نیز در تنیس، بوکس بانوان، تیراندازی با کمان و اسکواش همراه بود که باران‌های سیل‌آسای ناگویا و توقف مسابقات تنیس نیز مزید بر علت شد تا نمایندگان نتوانند ریتیم بازی خود را حفظ کنند.

کلام آخر روز نهم بازی‌های آسیایی ۲۰۲۶ ناگویا، یک میناتور کامل از ذات ورزش بود؛ روزی که در آن فریاد قهرمانانه علی‌عالی‌پور زیر وزنه ۲۱۸ کیلوگرمی، با صلاط ضربات راکت نوشاد عالمیان، غیرت رامین احمدزاده روی تاتامی و حسرت تلخ چوب افتاده دوومیدانی در هم تنیده شد. کاروان ورزشی ایران با دشت یک طلا، یک نقره و یک برنز در این روز، نشان داد که به تمام‌توان، تا آخرین قطره عرق و تا آخرین ثانیه می‌جنگد؛ جنگی برای اعتلای نام ایران در قلب‌قاره کهن. روزهای آینده ناگویا، بی‌شک ایستن حوادث و افتخارات بیشتری برای اینس کاروان دلاور خواهد بود.

تیم ملی ایران است. این یعنی قلعه‌نویی تیمی را به مصاف شاگردان کارپین می‌فرستد که از لحاظ ارزش گذاری مالی در بازارهای جهانی، فرسنگ‌ها با حریف خودفاصله دارد.

کارپین به دنبال ۲۴، ژنرال در سودای ۴

والری کارپین، هافبک اسبق و سرمربی فعلی روس‌ها از سال ۲۰۲۱ که هدایت این تیم را بر عهده گرفته، آمار خیره‌کننده‌ای ثبت کرده است. او در ۳۵ مسابقه، ۹ برد، ۹ تساوی و تنها سه شکست در کارنامه دارد. کارپین در کازان به دنبال کسب بیست و چهارمین پیروزی خودروی نیمکت تیم ملی است. در نقطه مقابل، امیر قلعه‌نویی می‌خواهد پس از تیم‌های ملی کرواسی، شیلی و مصر، ایران را به عبور چهارمین تیمی که موفق به شکست دادن روسیه تحت هدایت کارپین شده است، در تاریخ ثبت کند. فشارها روی سرمربی ایران بی‌سابقه است؛ ترکیب دفاعی متزلزل در بازی با ازبکستان و سردرگمی در میانه میدان، انتقادات تند کارشناسان را به همراه داشته است. بازی با روسیه، فرصتی برای آزمون و خطانیت؛ این یک نبرد حیثیتی برای کادر فنی است تا نشان دهند کنترل و خنک‌ن توانایی بازسازی بازیکنان پس از یک شکست سنگین را دارند.

دوباره ایران سفید و قرمز؟

اما بحران تیم ملی تنها به مستطیل سبز کازان ختم نمی‌شود. سازمان جهانی فوتبال (فیفا) با افزایش زمان پنجره فیفادی، به تیم‌ها اجازه برگزاری بازی تدارکاتی را داده است؛ فرصتی طلایی که رقبا آسیایی برای آماده‌سازی آمادهاست. بازی‌ها ملت‌های ۲۰۲۷ نه‌ایست. استفاده از آن می‌رند. برنامه اولیه فدراسیون فوتبال ایران این بود که تیم ملی پس از بازی با روسیه، مستقیماًاز کازان راهی دوحه شود تا در دیداری دوستانه به مصاف ونزوئلا برود. اما در یک غافلگیری مدیریتی، ونزوئلا در آستانه امضای تفاهم‌نامه از این بازی انصراف داد و ترجیح داد با تیم ملی اردن بازی کند. نتیجه؟ تقویم تیم ملی برای یک هفته آینده کاملاً خالی است؛ در حالی که رایتزنی‌های فدراسیون برای یافتن یک حریف جایگزین تا این لحظه بی‌نتیجه مانده، زم‌زمه‌های نگران‌کننده‌ای از اردوی تیم ملی به گوش می‌رسد. آیا امیر قلعه‌نویی مجبور است به سبک اردوهای گذشته، باز یکنان را به دو تیم سفید و قرمز تقسیم کند و به یک بازی درون تیمی رضایت دهد؟ یا با توجه به محدودیت‌های پروازی و نبود حرف‌یاف، اردو را پیش از موعد تعطیل کرده و باز یکنان را به باشگاه‌های شان بازی گرداند؟ هر دو سناریو برای تیمی که سودای قهرمانی را در آسیا دارد، چیزی شبیه به یک فاجعه برنامه‌ریزی است. سوت آغاز بازی امشب در ورزشگاه کازان، تنها شروع یک مسابقه فوتبال نیست؛ سوت آغاز جنگ برای فرار از بحران است. آیا ایران می‌تواند با عبور از سد ستارگان چندده میلیون یورویی روسیه، هم انتقام شکست‌های اخیر را بگیرد و هم مردمی بر رخ فرغانه بگذارد، یا سرم‌ای کازان، انجم‌ات کانتیکی تیم ملی را عمیق‌تر خواهد کرد؟

اتفاق روز

بازگشت امیراتور به سرزمین سوخته معجزه با لب‌خند یا تکرار تراژدی؟

نازنین دشتی

سوت پایان در ورزشگاه‌های ناگویا که به صدا درآمد، فقط سسوت پایان یک تورنمنت برای فوتبال ایران نبود؛ ناقوس مرگ دوباره رویای نیم‌قرنی یک ملت برای رسیدن به المپیک بود که زیر آوار بی‌تدبیری و نمایش‌های ضعیف دفن شد.

شکست سنگین و تحقیرآمیز چهار بر یک مقابل کره‌شمالی در بازی‌های آسیایی ۲۰۲۶، پایان تلخ و زود هنگام تیمی بود که با هزاران امید و تحت‌هدایت حسین عبدی راهی ژاپن شده بود. تیمی که حتی نتوانست از پس مرحله گروهی بر بیاید و مدال ناکامی و آبروریزی را به جای طلا بر گردن آویخت.

استعفای شورای عید و پذیرش شتاب‌زدان از سوی فدراسیون فوتبال، تنها پاک کردن صورت مسئله‌ای بود که دهه‌هاست فوتبال ایران با آن دست و پنجه نرم می‌کند. حالا، در راهروهای سستول و در طبقات فدراسیون فوتبال، بوی بحران به مشام می‌رسد و مهدی تاج با همان لحن همیشگی وعده داده که تا ۴۸ ساعت آینده تکلیف نیمکت لرزان تیم امید را مشخص می‌کند.

اما این نیمکت چنان داغ و سوزان است که گزینه‌های داخلی عطای آن را به لقایش بخشیده‌اند. نام‌هایی چون فرهاد مجیدی و مجتبی حسینی خیلی زود از حوالی این نیمکت دور شدند. آنها به خوبی می‌دانند که هدایت تیمی که همیشه در سایه تیم بزرگسلان راه‌اشده و همواره درگیر جنگ‌های ترافیشی با باشگاه‌هایی نظیر استقلال، پرسپولیس، تراکتور و سپاهان بر سر گرفتن بازیکن است، بیشتر به یک خودکشی ورزشی شبیه است تا یک فرصت طلایی برای پیشرفت. در این شرایط жал و فرسار و به جلوی مربیان داخلی، فدراسیون ناچار به باز کردن پوشه‌های قدیمی شده است.



از میان گرد و غبار نام‌ها، یک چهره آشنا دوباره ظهور کرده است؛ مردی با ادبیات خاص و لب‌خندهای همیشگی. افشین قطبی، چهره‌ای که نامش همواره با قهرمانی دراماتیک پرسپولیس در لیگ هفتم گره خورده، اکنون در ۶۲ سالگی در یک قدمی بازگشت به فوتبال ایران قرار دارد. جالب‌ترین بخش ماجرا، ورود امیر قلعه‌نویی به این پرونده و چراغ سبز مرد شماره یک نیمکت تیم ملی بزرگسالان است.

قلعه‌نویی که همواره به دنبال ایجاد چتر حمایتی و همسویی تیم‌های پایه با تفکرات خود است، با آغوش باز از قطبی استقبال کرده و او را یک ایرانی واقعی و انسانی بزرگ خوانده است. این تأییدیه و حمایت علنی از سوی ژنرال، مسیر را برای بازگشت قطبی پس از حدود هشت سال دوری همواره تر کرده است تا تاج از خیالی آسوده‌تر پروژه جذب او را پیش ببرد.

اما اینجا دقیقاً همان نقطه‌ای است که باید با عینک نقد به ماجرا نگاه کرد؛ اصلاً چرا قطبی؟! یا این انتخاب بر اساس یک نیازسنجی دقیق فنی و استراتژیک صورت گرفته یا صرفاً پناه بردن به یک نوستالژی شیرین برای فرار از فشار افکار عمومی و رسانه‌هاست؟ برای رسیدن به پاسخ، باید رزومه سال‌های اخیر افشین قطبی را بدون تعارف زیر ذره‌بین برد. قطبی پس از دوران پر فراز و نشیبش در تیم ملی ایران در اواخر دهه ۸۰، مسافرهی طولانی‌اش را در شرق آسیا و آمریکای شمالی آغاز کرد. از شیمیزو اس پالس ژاپن تا تیم‌های پالیندو و تجربه کوتاه مدت و نه چندان درخشان در فولادخوزستان، تا رسیدن به سرمربیگری و تکوور افسسی در لیگ نپوا و نه چندان مطرح کانادا.

نکته تامل‌برانگیز و نگران‌کننده اینجااست که قطبی نزدیک به ۱۴ ماه است که روی هیچ تیم‌کنی نیستسته و عملاً از فضای رقابتی، پرتنش و مدرن فوتبال به دور بوده است. هدایت تیم امید ایران، تیمی که نیازمند شناخت عمیق از استعدادهای داخلی، پایش مستمتر لیگ برتر، آگاهی از وضعیت یونیورهای جوان و درک روانشناسی پیچیده بازیکنان لسلل جدید فوتبال ایران است، آیا باید این اتمسفر و حواشی فوتبال باشگاهی ایران فاصله دارد؟ قطبی آخرین بار چه زمانی یک مسابقه کامل از لیگ برتر خلیج فارس با مسابقات رده‌های پایه ایران را از نزدیک تحلیل کرده است؟ آیا رزومه اخیر او، وزن و اعتبار لازم برای شکستن طلسم و طلایه‌داری پروژه لس‌آنجلس ۲۰۲۸ را دارد؟

سرگیجه فدراسیون فوتبال در این پرونده اما به همین ج‌ا ختم نمی‌شود و اخبار ضد و نقیضی که از جلسات هیئت‌نیتسه به پیرون درز می‌کند، نشان‌دهنده یک سردرگمی ساختاری است. روز قطبی به عنوان جدی‌ترین گزینه سرمربیگری تیم امید معرفی می‌شود و روز دیگر، نام او به عنوان رئیس کمیته فنی یا مدیر توسعه فدراسیون به میان می‌آید. حتی سناریوی عجیبی روی میز است که او صرفاً مدیر فنی شود و یک مربی خارجی را با خود بیاورد تا در کنارش کار کند. این تغییر پیاپی عناوین و پست‌ها، پیام‌روشنی دارد؛ فدراسیون بیش از آنکه به دنبال یک برنامه مشخص و شرح وظایف دقیق برای تیم زیر ۲۳ ساله‌ها باشد، صرفاً به دنبال پیدا کردن یک جایگاه خالی برای نام‌افشینی قطبی است تا از کار برمای رسانه‌ای او به عنوان یک سهر انسانی در برابر انتقادات استفاده کند.

فوتبال پایه ایران سال‌هاست که درگیر یک چرخه باطل و تکراری است؛ ناکامی، استعفا، وعده‌های چند روزه، انتخاب‌های هیجانی؛ فقدان زیرساخت و دوباره ناکامی بزرگ‌تر. تیم امید برای رسیدن به مسابقات قهرمانی زیر ۲۳ سال آسیا و در نهایت المپیک لس‌آنجلس، نیازمند تعام‌ل مقتدرانه‌ای با باشگاه‌ها داشته باشد و فوتبال مدرن را نبناسد، نه رهگذری که صرفاً با تکیه با خاطرات گذشته و تزریق جملات مثبت بخواهد معجزه کند.